

گزارش برگزاری همایش: گزارش اجمالی برگزاری همایش دهم تاریخ شفاهی^۱ مرتضی رسولی پور

شاید بتوان ادعا نمود یکی از عوامل اصلی گسترش و بهبود فعالیت‌های پژوهشی در قالب تاریخ شفاهی به ویژه در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، مدیون همایش‌هایی باشد که از سال ۱۳۸۳ به بعد، به همت انجمن تاریخ شفاهی در قالب کارگاه آموزشی و نشست برگزار شده است. در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳، تعداد ۹ همایش به ترتیب در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز اسناد و کتابخانه آستان قدس رضوی، مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و معاونت فرهنگی بنیاد شهید برگزار شده بود. بر این اساس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نیز با توجه به امکانات علمی-پژوهشی خود ضمن موافقت با پیشنهاد انجمن تاریخ شفاهی ایران در پائیز ۱۳۹۳، پذیرفت که در برگزاری دهمین نشست تخصصی تاریخ شفاهی با عنوان تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۵۷) نقش خود را ایفا کند.

در نخستین جلسه انجمن تاریخ شفاهی با اولیای مؤسسه یاد شده پس از انتخاب اعضای هیئت علمی (آقایان: غلامرضا عزیزی، محسن کاظمی، علیرضا کمری، دکتر مرتضی نورایی و مرتضی رسولی پور)، دبیر علمی (دکتر موسی حقانی) و شورای سیاست‌گذاری (دکتر موسی حقانی، علیرضا کمری، دکتر علی ططری، حجت‌الاسلام سعید فخرزاده، محسن کاظمی، رضا قریبی و مرتضی رسولی پور) مقرر گردید نشست در اواخر دی یا اوایل بهمن ۱۳۹۴ در تالار سوره حوزه هنری برگزار گردد. در جلسه بعد ضمن تعیین محور مباحث و موضوعات برای نشست (امام خمینی و روحانیت؛ فرهنگ و هنر؛ اقتصاد و معیشت؛ اجتماع، طبقات و اصناف؛ سیاست، احزاب، گروه‌ها و جریان‌ها؛ وقایع و رویدادها؛ شخصیت‌ها؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، مقرر گردید زمان برگزاری همایش (پنجم بهمن ۱۳۹۴) و مهلت ارسال مقالات (پایان آبان ۱۳۹۴) اطلاع‌رسانی شود. از زمان اعلام برگزاری همایش تا پایان مهلت ارسال مقالات (و تمدید آن تا پایان آذر ماه) به تدریج ۳۰ عنوان چکیده مقاله و سپس اصل مقالات به دبیرخانه همایش ارسال گردید. البته پس از پایان مهلت ارسال، تعداد دیگری از علاقه‌مندان به حضور در همایش مقاله خود را با اندکی تأخیر ارسال کردند و سرانجام ۴۳ مقاله به دبیرخانه همایش رسید که هیئت داوران از میان مقالات ارسالی، ۹ مقاله را جهت قرائت در روز همایش و ۲۵ مقاله دیگر را جهت چاپ و انتشار در کتاب «ویژه‌نامه همایش» برگزید.

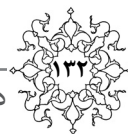
۱. تصاویر این گزارش از موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران اخذ شد. با تشکر فراوان از مسئولان موسسه.



چند روز قبل از برگزاری نشست، روز همایش به جهاتی یک روز عقب افتاد که بلافاصله اطلاع‌رسانی شد و سرانجام جلسه نخست همایش در ساعت ۸/۳۰ صبح ششم بهمن ۱۳۹۴ در تالار سوره با تلاوت آیاتی از قرآن و پخش سرود جمهوری اسلامی آغاز گردید. دکتر موسی حقانی به عنوان دبیر علمی همایش و رئیس جلسه اول ضمن خوشآمدگویی به مهمانان و گزارش روند برگزاری نشست عنوان کرد: عظمت انقلاب اسلامی و بررسی ابعاد گوناگون آن بسیار فراتر از برگزاری این همایش است اما برگزارکنندگان و نویسندگان و سخنرانان شرکت‌کننده همایش در حد امکان کوشیده‌اند فقط جلوه‌ای از این واقعه بزرگ تاریخی را نشان دهند.

سخنران نخست همایش یعقوب توکلی در سخنان خود ضمن اشاره به جریان‌های عمومی تاریخنگاری انقلاب با توجه به خاطرات مکتوب و شفاهی رجال پهلوی گفت: کلیه رجال پهلوی از شاه و خواهرش اشرف پهلوی گرفته تا دکتر علی امینی، شریف‌امامی و جهانگیر تفضلی در خاطرات و مصاحبه‌های خود از وقوع انقلاب اسلامی به‌عنوان فاجعه یاد کرده‌اند. دیگر این‌که هیچ‌کدام از رجال پهلوی در خاطرات خود برای خودشان نقش منفی قائل نبوده و خود را مقصر ندانسته‌اند. حتی اشرف پهلوی از خودش به عنوان قدیسه یاد کرده است. شاه از انگلستان و لیبی به عنوان دو دشمن یاد کرده که باعث وقوع انقلاب شدند. خواهرش می‌گوید چون نفوذ ما در خلیج فارس زیاد شد و قیمت نفت بالا رفت آمریکایی‌ها نتوانستند این وضع را تحمل کنند. فریدون هویدا معتقد بود شاه آن قدر فاسد بود که نیازی نیست علت دیگری برای انقلاب دنبال کنیم. تفضلی از شاه دفاع کرده و اطرافیان او را مقصر دانسته؛ دکتر امینی، جبهه ملی را مقصر دانسته و بر این باور بود در صورت حمایت جبهه ملی از دولت او این اندازه دیکتاتوری به وجود نمی‌آمد. عبدالمجید مجیدی افزایش قیمت نفت را عامل سقوط رژیم گذشته دانسته و معتقد است ما از ثبات اقتصادی به بی‌نظمی رسیدیم و بعضی دیگر از رجال پهلوی حزب رستاخیز، ساواک، چپ‌های قدیمی و ناآگاهی مسئولان حاکمیت را عامل سقوط رژیم گذشته معرفی کرده‌اند. نکته مهم در این آثار این است که هیچ‌کدام برای مردم نقشی قائل نبودند.

سخنران بعدی محمدرضا کائینی ضمن بررسی خاطرات شفاهی پیرامون آیت‌الله طالقانی گفت: چون منش و شیوه عملی ایشان بر تکثرگرایی استوار بود لذا جریانات گسترده و افراد زیادی خود را به ایشان منتسب دانسته‌اند. با این همه دو رویکرد بیش از همه قابل بررسی است. در رویکرد نخست جریانی متشکل از اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، جنبشی‌ها و امتی‌ها کوشیدند وجوه استکبارستیزی و اعتقاد به ولایت فقیه را در نگرش و شخصیت آیت‌الله طالقانی نادیده بگیرند. در رویکرد دوم طرفداران ولایت فقیه قرار گرفته و کوشیده‌اند ایشان را چهره‌ای بی‌اعتنا به گروه‌های ملی و چپ نشان دهند. به اعتقاد سخنران چنین نگرش‌هایی در تاریخ شفاهی چون به شدت تحت‌الشعاع صف‌آرایی‌های سیاسی قرار گرفته بعضاً به تحریف شخصیت و عملکرد

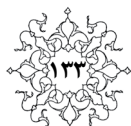


آیت‌الله طالقانی می‌انجامد در حالی که لزومی ندارد وجوه مختلف شخصیت ایشان را قیچی کنیم. در مورد حمایت ایشان از دکتر مصدق، مجاهدین خلق و جریان ملی‌گرایی متأسفانه عده‌ای شتابزده عمل کرده و توجه نداشته‌اند که آن مرحوم ملی‌گرایی را در پیوند با علاقه مردم به اسلام معنی کرده و دفاع ایشان از دکتر مصدق بر مبنای اصولی و نسبی استوار بوده است. ایشان همچنین از اطرافیان آیت‌الله کاشانی نیز انتقاداتی مطرح کرده‌اند. از نظر سخنران نگرانی آن عده که معتقدند بخشی از شخصیت آیت‌الله طالقانی نادیده گرفته شده بجا بوده اما خوشبختانه نگاه طرف مقابل هم رو به بهبود است. چنان‌چه وجه اندیشه‌ای و نظری مورد توجه نباشد نتایج نادرستی اتخاذ خواهد شد.

سومین سخنران سیروس سعدوندیان سخنان خود را به خطرات و خطرات در عرصه تاریخ‌شفاهی اختصاص داد و به ذکر آسیب‌های کلامی که از طریق گفتار بر ذهن می‌نشیند پرداخت و تأکید کرد که این‌گونه آسیب‌ها به مراتب از آسیب‌های کلام مکتوب بیشتر است. از نظر او پدیدارشدن رسانه‌های جدید از جمله تاریخ‌شفاهی موجب دگرگون شدن کیستی انسان امروز شده زیرا این رسانه‌ها الگوهای فهم و درک ما را از هستی پیرامونی تغییر داده‌اند. ورود تاریخ‌شفاهی بر سپهر رسانه‌ها از آن جهت که بیش از رسانه‌های دیگر به فهم پسینی انسان‌ها به واقعیت زیسته توجه می‌دهد به مانند تیغ دولبه می‌ماند. بنابراین مصاحبه‌کننده باید در کار خود تسلط داشته باشد و از هر نوع شیفتگی نسبت به خود و مصاحبه‌شونده پرهیز نماید.



آخرین سخنران جلسه اول دکتر موسی نجفی بود که سخنان خود را با عنوان نظری اجمالی بر تاریخ‌شفاهی و خاطره‌نویسی پهلوی‌ها ارائه نمود. او اعلام کرد که با توجه به مصاحبه‌هایی که قبلاً با آیت‌الله نجفی، آیت‌الله پسندیده، شیخ بهلول، مصلح‌الدین مهدوی، محمد مهریار و شیخ حسین لکرانی انجام داده دریافت که تاریخ‌شفاهی در حوزه تاریخ‌نقلی قرار می‌گیرد. از نظر او



تاریخ شفاهی، خاطره‌نویسی و اسناد سه ضلعی هستند که همدیگر را کامل می‌کنند. او تأکید کرد که باید میان واقعه و حادثه فرق قائل بود زیرا وقایع به حوادث شکل می‌دهند و چنانچه واقعه را نشناسیم حوادث را نخواهیم شناخت و تاریخ شفاهی به ما کمک می‌کند تا حادثه را بشناسیم. از سویی نزدیک بودن به واقعه موجب بهتر دیدن جزئیات می‌شود و هر اندازه از واقعه دور شویم کلیات بهتر درک خواهند شد؛ به عبارتی گذشت زمان موجب می‌شود تا وقایع بهتر تحلیل شوند. با این وصف فضایی که در تاریخ شفاهی ترسیم می‌شود بیش از مصاحبه مهم است. از سویی لحن در تاریخ شفاهی (بر خلاف خاطره‌نویسی) حائز اهمیت است. نجفی با اشاره به کتاب حکمت و سیاست گفت: با این که مصاحبه‌شونده فیلسوف باسواد است اما در این کتاب راوی خوبی نیست زیرا برخلاف ادعای دکتر نصر که می‌گوید امام در نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت نشان داده سلطنت را قبول داشته، در حالی که سال‌ها پیش از آن امام در کتاب کشف‌الاسرار تصریح کرده که اصلاً سلطنت را قبول ندارد. سخنران در پایان صحبت خود گفت که تاریخ به مانند دریا عظمت دارد و کسی که شناخت عمیق داشته باشد بهتر می‌تواند در آن شنا کند.

نخستین سخنران جلسه دوم همایش که به ریاست علیرضا کمری و کارشناسی مرتضی رسولی‌پور در ساعت ۱۰/۳۰ صبح آغاز شد، دکتر علی‌اصغر سعیدی بود که سخنرانی خود را تحت عنوان تاریخ شفاهی اقتصادی: تحلیل تاریخی کنش اقتصادی ایراد کرد و توضیح داد که چگونه جمع‌آوری روایت‌های صنعتگران، تجار، مقامات و تکنوکرات‌های اقتصادی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند به رفع برخی ابهامات در تاریخ اقتصادی معاصر کشور کمک کند.



او همچنین با اشاره به چهره‌های تأثیرگذاری مانند عبدالمجید مجیدی، رضا مقدم، محمد یگانه، سید محمود لاجوردی، اکبر لاجوردیان، قاسم لاجوردی، ابوالحسن ابتهاج، خداداد فرمانفرمایان، خسروشاهی و علینقی عالیخانی و ... و نقشی که بعضی از آنان در ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و اقدامات خیرخواهانه داشته‌اند تأکید نمود روایت‌ها و مجموعه‌های تاریخ شفاهی به‌طور اعم و تاریخ شفاهی اقتصادی به‌طور اخص، به مثابه یکی از روش‌های بررسی تاریخ اقتصادی بر پایه روش‌شناسی کیفی در علوم اجتماعی، می‌تواند به تحلیل‌های تاریخی، ارائه موضوعات و بیان مسائل نو و گشودن پرونده موضوعات پایان یافته در تاریخ اقتصادی کمک کند. به علاوه، روایت‌های شفاهی می‌تواند به ارائه نظریه‌های بومی در حل مشکلات اقتصادی ایران یاری رساند. مرتضی میردار سخنران بعدی سخنان خود را به نقد خاطرات دکتر سیدحسین نصر در کتاب حکمت و سیاست اختصاص داد و گفت: آقای نصر با همه امتیازاتی که دارد در حوزه فرهنگ خیلی از خود تعریف کرده و خودش را یکی از ستون‌های فرهنگ ایران می‌داند در حالی که در جریان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی مورد مشورت جدی قرار نگرفت. علاوه بر این در مورد روشنفکران و نویسندگان پرسش‌های بی‌جوابی در ذهن خوانندگان باقی گذاشته و هیچ‌شأن و منزلتی برای امثال شریعتی و جلال آل‌احمد قائل نیست. وی این سخن نصر را که می‌گوید رضاشاه مذهب را از بین نبرد وگرنه اصلاً قم از بین می‌رفت و در همین دوره بود که شیخ عبدالکریم حائری حوزه قم را تأسیس کردند ... را مورد نقد قرار داد و افزود رضاخان در زمان تأسیس حوزه قم عملاً قدرت مقابله و به تعطیلی کشاندن آن را نداشت. میردار همچنین ادعای نصر مبنی بر موافقت امام با نظام سلطنت و نیز این نکته که تا قبل از انقلاب عموم مردم ایشان را نمی‌شناختند و ... را تحریف تاریخ دانست و تأکید کرد امام بر اساس اسناد ساواک در سال ۱۳۳۵ مرجع تقلید مبرز و برجسته‌ای بوده است. از نظر میردار انتصاب نصر به ریاست دفتر فرح پهلوی برخلاف آنچه او در خاطراتش گفته نه تنها اتفاقی نبود بلکه با محاسبات دقیق در جهت گمراهی اذهان مبارزان مسلمان تدارک دیده شده بود.

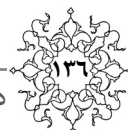


سخنران بعدی خانم شفیقه نیک‌نفس بود که در مورد اثرگذاری هنر نمایش در وقوع انقلاب اسلامی ایران سخن گفت. وی که مقاله خود را بر اساس روایت هنرمندانی که طی سالیان گذشته با مجموعه تاریخ‌شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی در میان گذاشتند استوار کرده بود در سخنان خود گفت: گرچه شخصیت هنری هنرمندان نمایش در سال‌های قبل از انقلاب تا اندازه‌ای ابهام آمیز بود با این وصف بعضی از هنرمندان در صحنه تئاتر از عناصری که به نوعی مظاهر و سمبل‌های مذهبی را نشان می‌داد بهره می‌گرفتند اما نه در اندازه‌ای که بتوانند کلیه نهادهای اجتماعی و قالب‌های فرهنگی را متأثر کنند چون هنوز خودشان هویت تثبیت‌شده‌ای پیدا نکرده بودند. گفتنی است که رئیس و کارشناس این نشست پس از پایان سخنرانی‌ها به پرسش‌های حاضران در مورد مطالب سخنرانان پاسخ گفتند.

با پایان یافتن جلسات صبح، میهمانان و شرکت‌کنندگان همایش در فاصله ساعت ۱۲-۱۳:۲۵ برای ادای نماز و صرف ناهار سالن را ترک کرده و جلسه بعدی رأس ساعت ۱۳:۲۵ تشکیل شد و آقای دکتر مرتضی نورایی (کارشناس جلسه) در غیبت دکتر حبیب‌الله اسماعیلی خودش جلسه را اداره نمود. نخستین سخنران این جلسه دکتر جواد منصوری در سخنرانی خود گزارشی در مورد تاریخ‌شفاهی حزب ملل اسلامی ارائه کرد و ویژگی‌های آن را برشمرد. او در حاشیه سخنان خود به کتاب خاطرات خود در این مورد اشاره نمود.



سخنران بعدی دکتر محمدجواد مرادی‌نیا گزارشی نسبتاً جامعی در مورد تاریخ‌شفاهی امام خمینی در مؤسسه نشر و آثار امام خمینی ارائه کرد و پاره‌ای از ملاحظات این کار را برشمرد. آخرین سخنران این جلسه مرتضی قاضی در مورد جمهوری تاریخ‌نگاری انقلاب، نگاهی به رویکردها و روش‌های تاریخ‌نگاری مردمی انقلاب اسلامی سخن گفت. در این سخنرانی نیز که در اصل شکل گزارش داشت، سخنران ضمن انتقاد از رویکرد نخبه‌گرایانه پروژه‌های تاریخ‌شفاهی



ایران، فاصله گرفتن از روایت رسمی حاکمان و نخبگان و توجه به مردم عادی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر قلمداد کرد و افزود با شکل گرفتن جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در سال‌های نخست دهه ۱۳۸۰ مطالعات تاریخ‌شفاهی به طور عملی از سال ۱۳۸۸ آغاز شد و در چند محور تاریخ روستانگاری، تاریخ مدرسه‌نگاری و تاریخ مسجدنگاری کار خود را آغاز کرد.

پس از پایان این سخنرانی رئیس جلسه با قرائت پرسش‌های حاضران و پاسخ دادن به آن‌ها به آخرین سخنران و همکارانش در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی توصیه کرد از تجربیات سازمان‌ها و گروه‌هایی که سابقه بیشتری در کارهای تاریخ‌شفاهی دارند استفاده کنند.

آخرین جلسه این نشست در ساعت ۱۵:۳۰ به ریاست دکتر محمدحسن رازنهمان و کارشناسی مهدی کاموس برگزار شد.



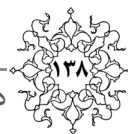
نخستین سخنران خانم شکوه‌السادات سمیعی در مورد زمینه‌ها و پیامدهای واقعه دی ۱۳۵۶ مشهد از این واقعه به عنوان حماسه گمشده در تاریخ یاد کرد و خدمات خانم صدیقه مقدسی (دختر آیت‌الله ابوالحسن شیرازی) را به عنوان عامل اصلی واقعه ۱۷ دی مشهد ستود. این واقعه علاوه بر اینکه به نمادی اساسی برای مخالفت با رژیم شاه تبدیل شد، خودباوری را در زنان مشهد تقویت نمود.

سخنران بعدی ابوالفتح مؤمن سخنان خود را با عنوان نقدی بر آثار تاریخ‌شفاهی محلی انقلاب اسلامی آغاز کرد بود. او با نقد و بررسی چند نمونه از آثار منتشر شده از سوی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی گفت: در یک اثر تحلیلی که بر مبنای تاریخ‌شفاهی شکل گرفته باشد می‌تواند که در خلال مصاحبه‌های انجام شده پس از بررسی، به سؤالاتی که در چگونگی و چرایی‌هایی در موضوع پیش

می‌آید که با مصاحبه تکمیلی، مجدد و با یک گفتگوی تعاملی و پرسا کامل می‌شد. در حالی که در بسیاری آثار شاهد چنین رویکردی از سوی نویسنده نیستیم و فقط به مصاحبه‌های آرشیوی و دم دستی قناعت کرده‌اند. در برخی از مصاحبه‌ها به کلی گویی اکتفا شده در حالی که اگر تدوین‌گر بومی و آشنا به مباحث می‌بود، با انجام مصاحبه‌های جدید و تکمیلی از چند و چون وقایع و زوایای پنهان بیشتر آگاه می‌شد و آن‌ها را با دیدگاهی میکروسکوپی آشکار می‌کرد تا برخی تناقضات برطرف می‌گردید در این صورت برای هیچ خواننده‌ای ابهامی باقی نمی‌ماند.

آخرین سخنران محمد نظرزاده بود که در مورد تاریخ شفاهی گروه‌های مذهبی-سیاسی مشهد و نقش آن‌ها در انقلاب اسلامی سخن گفت. او ضمن برشمردن تعدادی از این گروه‌ها مانند جمعیت کارمندان انجمن تبلیغات اسلامی، کانون نشر حقایق اسلامی، جمعیت مبارزین اسلام و انجمن پیروان قرآن گفت که در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ میرزا احمد کفایی در رأس هیئت‌های مذهبی بود و عمده فعالیت آن‌ها مبارزه با توده‌ای‌ها بود. در رأس جمعیت کارمندان انجمن تبلیغات اسلامی عطاالله شهاب‌پور بود ولی در عمل با ایجاد و گسترش فعالیت‌های کانون نشر حقایق اسلامی، بیشتر اعضای آن به کانون پیوستند. بعدها با ممنوعیت فعالیت کانون، محمدتقی شریعتی به حسینیه ارشاد در تهران رفت و شماری از افراد آن به گروه‌های دیگر از جمله حزب ایران و گروه‌های دیگر پیوستند. جمعیت مبارزین اسلام نیز شاخه‌ای از جمعیت فداییان اسلام بود که در مشهد تأسیس شد و با دولت دکتر مصدق مخالفت نمود و به دستور نواب صفوی علیه کودتای ۲۸ مرداد هیچ اقدامی نکرد. در رأس انجمن پیروان قرآن نیز علی‌اصغر عابدزاده بود و مرکز فعالیت این گروه در بنای مهدیه قرار داشت. در سال ۱۳۳۷ گروهی از اعضای اصلی این انجمن کناره‌گیری خود را از آن اعلام کرده و با دعوت آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت خود را رنگ و بوی سیاسی دادند و در مسجد کرامت به فعالیت پرداختند.

در این جلسه ضمن آنکه رئیس و کارشناس به پرسش‌های حاضران پاسخ دادند برخی از اظهارات آقای مؤمن مورد ایراد رئیس جلسه قرار گرفت. در پایان مراسم آقای دکتر حقانی ضمن جمع‌بندی اظهارات سخنرانان و تشکر از حضور میهمانان ابراز امیدواری کرد که در آینده شاهد برگزاری همایشی دیگر در مورد تاریخ شفاهی و انقلاب اسلامی باشیم.





چکیده:

دکتر حسن احمدی گیوی (۱۳۰۶-۱۳۹۱): نویسنده، ادیب، پژوهشگر، لغت‌شناس و استاد دستور زبان فارسی و ترکی؛ در گیوی از توابع شهرستان خلخال متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در زادگاهش گذراند و مدارج دانشگاهی را تا اخذ دانشنامه کارشناسی‌ارشد در رشته فلسفه و علوم تربیتی ادامه داد، اما به سبب علاقه‌اش، به ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۳۴۴، با ارائه رساله‌ای با عنوان «دستور تاریخی فعل»، دانشنامه دکترا گرفت. سپس به عضویت هیئت علمی مدرسه عالی بازرگانی (دانشگاه علامه طباطبائی کنونی) درآمد و سال‌ها در این دانشگاه و نیز دانشگاه تهران، به تربیت شاگردان مشغول بود و در سال ۱۳۶۶، به درجه بازنشستگی نائل آمد.

وی در سال ۱۳۴۰، به دعوت دکتر معین، فعالیت خود را در موسسه لغت‌نامه دهخدا آغاز کرد و پس از آن، بیش از چهار دهه، در تدوین «لغت‌نامه دهخدا» و نیز «لغت‌نامه فارسی» همکاری نمود. همچنین بیش از ۵۰ کتاب در زمینه ادب و فرهنگ معاصر ایران تألیف کرده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «دستور زبان فارسی: فعل»، «ادب و نگارش» و «گزیده اشعار و مقالات دهخدا» اشاره نمود.

دکتر احمدی گیوی در سال ۱۳۹۱، در سن ۸۵ سالگی، به رحمت ایزدی پیوست. متن پیش رو، حاصل گفت‌وگوی ۳ ساعته با ایشان، در تیر و مرداد ۱۳۸۶، در موسسه لغت‌نامه دهخدا می‌باشد. این مصاحبه از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در قالب یک مصاحبه تاریخ شفاهی صورت پذیرفته است.